

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

فِیْشْ مَنْبَر

اربعین ستون ولایت

استاد جوادی آملی



کانال فیش منبر در ایستا

<https://eitaa.com/fishemenbar>

امام حسن عسکری (علیه السلام) فرمودند: «علامات المؤمن خمس: صلاة الخمسين و زیارة الأربعین و التختّم فی الیمین و تعفیر الجبین و الجهر بسم الله الرحمن الرحیم»؛ «نشانه های مؤمن و شیعه، پنج چیز است: اقامه نماز پنجاه و یک رکعت، زیارت اربعین حسینی، انگشتر در دست راست کردن، سجده بر خاک و بلند گفتن بسم الله الرحمن الرحیم.»

مراد از نماز پنجاه و یک رکعت، همان هفده رکعت نماز واجب روزانه به اضافه نمازهای نافله است که جبران کننده نقص و ضعف نمازهای واجب است؛ به ویژه اقامه نماز شب در سحر که بسیار مفید است. نماز پنجاه و یک رکعت به شکل مذکور از مختصات شیعیان و ارمغان معراج رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) است. شاید سر ستودن نماز به وصف معراج مؤمن این باشد که دستورش از معراج آمده است و نیز انسان رابه معراج می برد.

موارد دیگری نیز که در روایت یاد شده، همگی از مختصات شیعیان است؛ زیرا فقط شیعه است که سجده بر خاک دارد و نیز غیر شیعه است که یا بسم الله الرحمن الرحیم را نمی گویند یا آهسته تلفظ می کنند. همچنین شیعه است که انگشتر به دست راست کردن و نیز زیارت اربعین حسینی را مستحب می داند.

مراد از زیارت اربعین، زیارت چهل مؤمن نیست؛ زیرا این مسأله اختصاص به شیعه ندارد و نیز «الف و لام» در کلمه «الاربعین»، نشان می دهد که مقصود امام عسکری (علیه السلام) اربعین معروف و معهود نزد مردم است؛ خلاف کلمه

«اربعین» در بسیاری از روایات که بدون «الف و لام» آمده است؛ مانند این روایت امام صادق (علیه السلام): «من حفظ من أحاديثنا أربعين حديثاً بعثه الله يوم القيامة عالماً فقيهاً.»

اهمیت زیارت اربعین، تنها به این نیست که از نشانه های ایمان است، بلکه طبق این روایت در ردیف نمازهای واجب و مستحب قرار گرفته است. برپایه این روایت، همان گونه که نماز ستون دین و شریعت است، زیارت اربعین و حادثه کربلا نیز ستون ولایت است.

به دیگر سخن، براساس فرموده رسول خدا (ص): «عصاره رسالت (نبوی (ص) قرآن و عترت است؛ «إني تارك فيكم الثقلين... كتاب الله و... عترتي أهل بيتي». عصاره کتاب الهی که دین خداست، ستونی دارد که نماز است و عصاره عترت نیز ستونش زیارت اربعین است که این دو ستون در روایت امام عسکری (علیه السلام) در کنار هم ذکر شده است؛ اما مهم آن است که دریابیم نماز و زیارت اربعین انسان را چگونه متدین می کنند.

درباره نماز، ذات اقدس الهی، معارف فراوانی را ذکر کرده است. مثلاً فرموده: انسان، فطرتاً موحد است، ولی طبیعت او به هنگام حوادث تلخ، جزع دارد و در حوادث شیرین از خیر جلوگیری می کند، مگر انسان های نمازگزار که آنان می توانند این خوی سرکش طبیعت را تعدیل کنند و از هلوع، جزوع و منوع بودن به درآیند و مشمول رحمت های خاص الهی باشند؛ ﴿إِنَّ الْإِنْسَانَ خَلْقٌ هَلُوعًا * إِذَا مَسَّهُ الشَّرُّ جَزُوعًا * وَ إِذَا مَسَّهُ الْخَيْرُ مَنُوعًا * إِلَّا الْمُصَلِّينَ﴾.

تعلیم و تزکیه هدف اساسی سالار شهیدان

زیارت اربعین نیز انسان را از جزوع، هلوع و منوع بودن باز می‌دارد و گفته شد که هدف اساسی سالار شهیدان نیز تعلیم و تزکیه مردم بوده است و در این راه، هم از طریق بیان و بنان اقدام کرد و هم از راه بذل خون جگر که جمع میان این راه‌ها از ویژگی‌های ممتاز آن حضرت (ع) است.

خلاصه آن که رسالت رسول اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) تعلیم کتاب و حکمت از یک سو و تزکیه نفوس مردم از سوی دیگر بود تا هم جاهلان را عالم نماید و هم گمراهان را هدایت کند و در نتیجه، جهل علمی و جهالت عملی را از جامعه جدا سازد. همین دو هدف در متن زیارت اربعین سالار شهیدان (علیه السلام) تعبیه شد؛ چنان که منشأ ددمنشی منکران رسالت و دشمنان نبوت، حب دنیا و شیدایی زرق و برق آن بود و عامل مهم توحش منکران ولایت و دشمنان امامت نیز همان غطرسه دنیا و دلباختگی به آن بود، که در بخشی از زیارت اربعین به آن اشارت رفته است: «و تَغَطَّرَسْ و تَرَدِّي فِي هَوَاهُ.»

ویژگی عدد چهل درباره امام حسین (علیه السلام)

اربعین و عدد چهل خصوصیتی دارد که دیگر ارقام آن را ندارد. غالب انبیای الهی در سن چهل سالگی به رسالت مبعوث شدند و ملاقات خصوصی حضرت موسی (علیه السلام) و ذات اقدس الهی چهل شب بود و در نماز شب سفارش شده است که چهل مؤمن را دعا کنید و همسایگان را تا چهل خانه گرامی بدارید. این‌ها نشان

می دهد که عدد چهل از برجستگی خاص برخوردار است.

در روایات اسلامی چنین آمده است: زمینی که روی آن انبیا و اولیای الهی و بندگان مؤمن، خدا را عبادت کرده اند، چهل روز در مرگ آنان می گرید، ولی در شهادت امام حسین (علیه السلام) آسمان و زمین، چهل روز خون گریه کردند. البته اشک یا خون را در این گونه از روایات نباید بر اشک یا خون ظاهری حمل کرد؛ چنان که نباید آن را انکار کرد.

توضیح آن که در سیارات آسمانی بارها انفجارهایی رخ می دهد که با چشم عادی هرگز دیده نمی شود؛ ولی متخصصان با استمداد از علم نجوم و از رصدخانه به تماشای این انفجارها می نشینند. همان گونه که مردم عادی نباید خبر وقوع این انفجار را به صرف ندیدن آن با چشم ظاهری انکار کنند، خون گریه کردن آسمان و زمین را نیز نباید انکار کنند؛ زیرا این موارد نیز جزو علمی نیست که بشر عادی آن را نظاره کند، حتی از رصدخانه نیز دیده نمی شود.

اساساً امر ملکوتی را هرگز نمی توان با ابزار ملکی ادراک کرد. مثلاً با دقیق ترین و پیشرفته ترین فنّ رصد سپهر نمی توان مشهودات رؤیای صادق انسان نائم را رصد نمود. اگر یوسف عصر در ساحت رؤیا مشاهده کند که یازده ستاره به همراهی ماه و آفتاب برای وی سجده کردند، هرگز چنین صحنه ای را نمی شود با هیچ رصدخانه ای تصدیق یا تکذیب نمود. غرض آن که معنای اشک ریزی یا خون باری ملکوتی نه مورد تصدیق فنّ تجربی است و نه در قلمرو تکذیب آن قرار می گیرد و هیچ گاه استبعاد به جای استحاله نمی نشیند. کسی که صاحب بَصَر نیست

تا ببینند، لا اقل باید صاحب نظر باشد که گوش شنوا به ندای صاحب بصران داشته باشد.

برای تحقیق این موارد، علم مخصوص لازم است که اصطلاح و متخصصان ویژه خود را دارد که اهل ولایت و علمای بزرگ دینی اند. آنان این گونه از احادیث را با جان پذیرفتند و فهمیدند که آسمان و زمین خون گریه می کنند. از امام زمان (علیه السلام) نیز نقل شده است که به امام حسین (علیه السلام) عرض می کنند: اگر اشک چشم تمام شود، برایت خون می گریم؛ «و لأبکین علیک بدل الدموع دماً».

گفتنی است: گرامیداشت یاد متوفا پس از مرگ او در همه ملل و ادیان رسمیت دارد و بعضی با گذشت یک ماه و بسیاری نیز پس از چهل روز از متوفای خود تجلیل می کنند. در میان مسلمانان، به ویژه شیعیان، پس از شهادت امامان معصوم (علیهم السلام) در نخستین اربعین آنان مراسم گرامیداشت انجام می شده است؛ ولی شهادت امام حسین (علیه السلام) این ویژگی را دارد که روز اربعین حسینی هر ساله تا قیامت ادامه خواهد داشت.

زیارت مأثور در اربعین

در روایات شیعه برای روز اربعین حسینی دستورهایی وجود دارد؛ مانند خواندن زیارت مخصوص آن روز در پیش از ظهر که پس از آن دو رکعت نماز نیز خوانده می شود و دعا در آن وقت مستجاب است.

در زیارت اربعین، هدف قیام امام حسین (علیه السلام) همان هدف رسالت نبی اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) دانسته شده است. براساس قرآن و نهج البلاغه، هدف رسالت انبیای الهی، دو چیز است: یکی عالم کردن مردم و دیگری عاقل نمودن آن ها با تهذیب نفس.

کسانی که علم ندارند، دستور خدا را نمی دانند و توان تربیت خود یا دیگران را ندارند. برخی نیز عالمند، ولی در اثر نداشتن عقل به دانش خود عمل نمی کنند. از این رو، انبیا (علیهم السلام) برای تعلیم و نیز تزکیه مردم مبعوث شده اند که به مردم خوبی ها را بشناسانند و راه خوب را به آنان بنمایانند تا مردم خوب بفهمند و به خوبی ها عمل کنند. چنین جامعه ای مهد پرورش اولیای الهی است.

در قرآن کریم از زبان حضرت ابراهیم (علیه السلام) نقل شده که به خداوند عرض کرد: پیامبری مبعوث فرما که مردم را عالم و مهذب کند؛ ﴿رَبَّنَا وَابْعَثْ فِيهِمْ رَسُولًا مِنْهُمْ يَتْلُوا عَلَيْهِمْ آيَاتِكَ وَيُعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ وَيُزَكِّيهِمْ﴾. خداوند دعای آن حضرت را اجابت کرد و در سوره «جمعه» فرمود: ﴿هُوَ الَّذِي بَعَثَ فِي الْأُمِّيِّينَ رَسُولًا مِنْهُمْ يَتْلُوا عَلَيْهِمْ آيَاتِهِ وَيُزَكِّيهِمْ وَيُعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ وَإِنْ كَانُوا مِنْ قَبْلِ لَفِي ضَلَالٍ مُبِينٍ﴾.

براساس این آیه، مردم حجاز، پیش از بعثت رسول اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) گرفتار دو مَعْضِل علمی و عملی بودند: یکی نادانی و دیگری گمراهی. پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) با تعلیم کتاب و حکمت آن ها را از جهل رهانید و عالم کرد و نیز با تزکیه نفس، آنان را از بیراهه به راه آورد و عادل کرد.

امیر مؤمنان (علیه السلام) در تشریح بعثت رسول اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمودند: «فهدیهم به من الضلالة و أنقذهم بمكانه من الجهالة»؛ یعنی خداوند به دست پیامبرش مردم را عالم و عادل کرد.

امام حسین (علیه السلام) نیز که به حساب ملکوت و اتصال نور وجودی، از پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) است و صاحب ولایت؛ «حسین منی و أنا من حسین»، باید مردم را عالم و عادل کند؛ یعنی احکام و دستورها و معارف دین را به آنان بیاموزاند و آنان را اهل عمل کند.

همه اهل بیت (علیهم السلام) این وظیفه را به عهده داشتند و با تدریس، ارشاد، سخنرانی و نوشتن نامه به وظیفه خود عمل می کردند؛ ولی سیدالشهدا (علیه السلام) افزون بر کارهای یاد شده، به سبب یأس از تأثیر اساسی این ابزار در شرایطی قرار گرفت که خون جگر خود را نیز برای نیل به هدف اعطا کرد. تنها آن حضرت (علیه السلام) بود که هم مبارزه فرهنگی و سیاسی و اجتهادی داشت، هم نبرد جهادی.

چنان که در زیارت اربعین آن حضرت می خوانیم: «فأعذر فی الدعا و منح النصح و بذل مهجته فیک لیستنقذ عبادک من الجهالة و حیره الضلالة»؛ یعنی آن حضرت (علیه السلام) با اتمام حجت بر خلق، هر عذری را از امت رفع کرد و اندرز و نصیحت آنان را با مهربانی انجام داد و خون پاکش را در راه تو ای خدا نثار کرد تا بندگان را از جهالت و حیرت و گمراهی نجات دهد.